اختصاصی خراسان

قتل پدر در جنایت هولناک خانوادگی

«پادشاه روانی» خون به پا کرد!

سید خلیل سجادپور - جوان ۳۴ ساله‌ای که سابقه بستری در بیمارستان روان پزشکی مشهد را دارد و خود را «پادشاه» می دانست در یک اقدام جنون آمیز پدرش را کشت و مادر و خواهرش را نیز به شدت مجروح کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، ساعت ۲۲ شب پنج شنبه اعضای یک خانواده در خیابان کشاورز مشهد، آماده خواب می شدند که مادر خانواده از دخترش خواست ضبط صوت را خاموش کند چرا که فراز و نشیب های صدای آهنگ، او را اذیت می کرد. وقتی صدای ضبط صوت خاموش شد و اعضای خانواده برای استراحت شبانه آماده می شدند، لامپ های روشنایی پذیرایی هم با فشردن کلید برق نور خود را از دست دادند و خانه در تاریکی فرو رفت. در این هنگام ناگهان «پادشاه روانی» با کارد بزرگی در دست ظاهر شد و در همان تاریکی وحشتناک به سوی خواهر ۳۷ ساله اش هجوم برد. او ضربات کارد را طوری بر پیکر خواهرش فرود آورد که جیغ دلخراش وی همه اعضای خانواده را در جا میخکوب کرد. مادر سراسیمه کلید برق را زد و روشنایی را به لامپ ها بازگرداند اما دخترش غرق در خون روی زمین افتاد. مادر کهن سال به سوی دخترش دوید تا او را از چنگ تیغه های مرگبار چاقو نجات دهد اما «پادشاه روانی» که خون جلوی چشمانش را گرفته بود و حال خودش را نمی فهمید این بار مادرش را هدف گرفت و ضربات هولناک کارد دسته زرد را بر پیکر او فرو کرد به حدی که زخم های عمیقی ایجاد شد و مادر نیز خون آلود بر کف اتاق غلتید. پدر پیر خانواده با دیدن این صحنه های حیرت آور و در حالی که هنوز در شوک بود، به یاری همسر و دخترش شتافت تا کارد خون آلود را از دست پسر ۳۴ ساله اش خارج کند اما «جعفر» که خودش را همچنان «پادشاه» می دانست به سمت پدرش حمله ور شد و بی رحمانه او را هدف ضربات کارد قرار داد. این جوان که با حالتی جنون آمیز تیغه کارد را بالا و پایین می برد و مدام بر پیکر پدرش فرود می آورد، آن قدر بر اندام نحیف پدرش ضربه زد که دیگر خون سراسر اتاق را فرا گرفت.

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، در حالی که هر ۳ عضو این خانواده در خون خود غوطه ور بودند، «جعفر» چاقو را در جیبش گذاشت و با همان سروضع خون آلود از خانه بیرون رفت.

طولی نکشید که با سروصدای ایجاد شده، همسایگان به طبقه دوم ساختمان آمدند و با مشاهده این اوضاع وحشتناک بی درنگ با نیروهای امدادی و پلیس ۱۱۰ تماس گرفتند. دقایقی بعد امدادگران اورژانس از راه رسیدند و پیکر غرق در خون پیرمرد ۷۲ ساله را به بیمارستان رضوی انتقال دادند و مادر و دختر را نیز به بیمارستان امدادی شهید هاشمی نژاد بردند اما خیلی زود خبر مرگ پیرمرد در بیسیم های پلیس پیچید و بدین ترتیب سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد مشهد) به همراه گروهی از نیروهای تجسس برای حفظ صحنه جرم و بررسی دقیق ماجرا عازم خیابان کشاورز ۵ شدند. آن ها با مشاهده راهرو و پله های خونین، بی درنگ مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند چرا که شواهد موجود حکایت از وقوع جنایتی هولناک داشت. این گونه بود که دقایقی بعد قاضی «محمود عارفی راد» به همراه گروهی تخصصی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی، به محل حادثه رسید و بدین ترتیب

آثار خون در راهروی منزل مسکونی

قاضی ویژه قتل عمد هنگام بررسی صحنه جنایت

تحقیقات شبانه درباره این جنایت بی رحمانه در حالی آغاز شد که خون زیادی فرش های پذیرایی و راهرو را رنگین کرده بود. هنوز بررسی های مقدماتی در طبقه دوم ساختمان ادامه داشت که ناگهان فریادهای «جعفر آمد!» نیروهای انتظامی را به تکاپو واداشت. طی چند لحظه نیروهای کلانتری سپاد، اطراف محل جنایت را به محاصره درآوردند و عملیات دستگیری متهم به قتل در حالی شروع شد که او با همان لباس های خون آلود به صحنه جرم بازگشت! اگرچه مهار این فرد چاقوکش که هر لحظه احتمال داشت به سمت نیروهای انتظامی حمله ور شود، بسیار سخت بود اما چند دقیقه بعد حلقه های فولادین قانون بر دستان وی گره خورد و کارد دسته زرد خون آلود نیز از جیب وی کشف شد. با وجود این، متهم قادر به بازجویی نبود و به طوری که گویی حال طبیعی ندارد به دیوار تکیه زد و ساکت ایستاد. در همین حال و با دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، متهم این پرونده جنایی برای انجام آزمایش های اعتیاد و الکل به پزشکی قانونی انتقال یافت و سپس گروه دیگری از کارآگاهان اداره جنایی به سرپرستی سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد) در کنار قاضی «عارفی راد» به بیمارستان رضوی رفتند. بررسی های مقام قضایی نشان می داد که ضارب حدود ۲۰ ضربه عمیق کارد بر پیکر پدرش وارد آورده است به طوری که عمق ضربات به ۱۰ سانتی متر هم می رسید. بنا بر گزارش روزنامه خراسان، پس از پایان تحقیقات و انتقال جسد «غلامرضا- ح» به پزشکی قانونی، ادامه بررسی ها به نیروهای کلانتری سپاد سپرده شد و کارآگاهان با دستور مقام قضایی عازم بیمارستان شهید هاشمی نژاد شدند تا به ریشه یابی این درگیری هولناک بپردازند. خواهر ۳۷ ساله که دچار شوک عجیبی شده بود و به دلیل عمق جراحت وارد شده قادر به صحبت نبود اما مادر ۶۵ ساله او در حالی که تحت مداوای اولیه قرار داشت به طور بریده و خلاصه از اعتیاد فرزندش پرده برداشت و گفت: او مواد مصرف می کند اما از نوع (صنعتی یا سنتی) آن بی اطلاع هستم! او سابقه بستری در بیمارستان روان پزشکی ابن سینای مشهد را هم دارد و خودش را «پادشاه» می نامد. یک چاقو هم از قبل خریداری کرده بود و حال طبیعی درستی نداشت تا این که شب هنگام وقتی لامپ ها را خاموش کردیم تا بخوابیم ناگهان با کاردی که

تصویر متهم هنگام دستگیری

در دست داشت به طرف ما حمله ور شد و دیگر چیزی نفهمیدم...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است، در حالی که ادامه بررسی های تخصصی برای واکاوی این ماجرای وحشتناک به سروان منفرد (افسر جنایی آگاهی) سپرده شده بود، مشخص شد که «جعفر- ح» ۳۴ سال دارد و بیش از ۱۰ سال از عمرش را پشت میله های زندان گذرانده است که احتمالا به دلیل شرکت در یک نزاع محکوم شده بود. در همین حال تحقیقات بیشتر نشان داد که وی سوابق اختلالات روانی هم دارد که در نهایت «پادشاه روانی» به دلیل همین اختلالات خون به پا کرد و به آدمکشی خانوادگی دست زد اما آن چه در این حادثه هولناک بیشتر از هر چیز دیگری خودنمایی می کند رها شدن بیماران دارای اختلالات روانی در شهرهاست که چنین جنایت هایی رقم می خورد و انسان های بی گناه قربانی سهل انگاری هایی می شوند که به راحتی قابل پیشگیری است. اکنون هزینه های سنگین و غیرقابل تصور نگهداری بیماران روانی در مراکز روان پزشکی و تهیه داروهای اعصاب و روان با هزینه های گزاف موجب می شود تا خانواده ها قید بستری شدن بیماران دچار اختلال و تالمات روحی و روانی در مراکز درمانی را بزنند و آن ها را در کوچه و خیابان رها کنند که گاهی چنین صحنه های دلخراشی نیز رقم می خورد. بنابراین مسئولان و مدیران نباید در این باره سهل انگاری کنند و گناه را بر دیگری بنویسند!

تیراندازی در بیمارستان دامغان

مأمور پلیس به شهادت رسید

مأمور پلیس بر اثر تیراندازی یک بیمار اعصاب و روان در بیمارستان دامغان به شهادت رسید. به گزارش فارس، برخی مخاطبان فارس ظهر دیروز از تیراندازی در اورژانس بیمارستان ولایت دامغان توسط یکی از بیماران خبر دادند. در این حادثه، یکی از بیماران ورودی به اورژانس با تیراندازی خود، سبب مجروح شدن یک مأمور نیروی انتظامی شده و به گفته شاهدان عینی، مأمور نیروی انتظامی به شهادت رسیده است. محمود یحیایی، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان به فارس گفت: بیماری با مشکل اعصاب و روان روز جمعه توسط اورژانس ۱۱۵ و با همراهی نیروی انتظامی و اورژانس اجتماعی به بخش اورژانس بیمارستان ولایت دامغان منتقل می شود. وی اظهار کرد: اقدامات اولیه مورد نیاز برای بیمار انجام می‌شود؛ اما بیمار همکاری لازم را نداشته و قصد فرار از بیمارستان را داشته است. مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان خاطرنشان کرد: هنگام فرار و پس از مهار شدن توسط پلیس، با وی درگیری فیزیکی پیدا می کند و با دستیابی به اسلحه پلیس به سمت وی شلیک می کند و این مأمور را هدف قرار می دهد و به شهادت می‌رساند. یحیایی ادامه داد: بعد از این اتفاق، بیمار دستگیر می شود و در اختیار نیروهای فراجای دامغان قرار می گیرد.

در امتداد تاریکی

ماجرای عاشقی که دزد شد!

وقتی به پدرم گفتم عاشق دختری شده ام و قصد دارم با او ازدواج کنم کمربندش را کشید و همه بدنم را کبود کرد، من هم برای لجبازی با پدرم به سوی خلافکاری کشیده شدم تا جایی که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات نوجوان ۱۶ ساله‌ای است که به اتهام گوشی قاپی دستگیر شده بود. این نوجوان در حالی که بیان می کرد تحت تاثیر رفتارهای یکی از دوستان خلافکارش قرار گرفته است درباره ماجرای خلافکاری هایش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سناباد مشهد گفت: تازه تحصیل در کلاس نهم دبیرستان را به پایان رسانده بودم که پدرم اجازه نداد برای ادامه تحصیل انتخاب رشته کنم. او معتقد بود در جامعه امروز مدرک تحصیلی به درد نمی خورد و باید هنری بیاموزم تا بتوانم مخارج زندگی ام را تامین کنم با آن که علاقه عجیبی به تحصیل داشتم ولی نمرات تحصیلی ام نیز خوب نبود و همین موضوع بهانه ترک تحصیل را به دست پدرم داد و وقتی برای رفتن به مدرسه با پدرم به مشاجره پرداختم او حتی تا یک هفته مرا به خانه راه نداد، در این مدت به منزل خواهرم رفتم و پس از آن با کمک شوهر خواهرم شاگرد سنگ کاری شدم تا این حرفه را بیاموزم هنگامی که در پایان هفته کارفرما دستمزدم را می پرداخت بلافاصله پدرم درآمدم را می گرفت و به حساب خودش واریز می کرد به طوری که حتی مبلغی هم برای تفریح آخر هفته یا خرید لباس به من نمی داد هنوز چند ماه بیشتر از رفتن به سر کار نمی گذشت که روزی عاشق چهره زیبای یک دختر نوجوان شدم. همان شب با شادمانی نزد پدرم رفتم و از او خواستم دختری را که به او دل بسته ام برایم «نشان» کند اما او نه تنها مرا تحویل نگرفت بلکه ناگهان با چهره‌ای خشمگین کمربندش را کشید و مرا آن قدر کتک زد که همه بدنم سیاه شد به او گفتم الان که سر کار می روم و درآمد دارم می توانم مخارج زندگی ام را تامین کنم ولی او فریاد می زد تا وقتی به سن دامادی برسی دردهای این کمربند هوای عشق و عاشقی را از سرت بیرون می کند!

با این حرف ها آن قدر ناامید شدم که با چاقو خودزنی کردم ولی خانواده ام حتی مرا به درمانگاه هم نبردند چرا که هیچ ارزشی برایم قائل نمی شدند. در همین روزها بود که لجبازی در وجودم ریشه دواند و به سوی دوستان خلافکار کشیده شدم آن شب به توصیه یکی از دوستانم و برای اولین بار سیگاری را کنج لبم گذاشتم تا به قول معروف آن دختر را فراموش کنم اما از شانس بد من پدرم به طور اتفاقی از سر چهارراه عبور کرد و مرا در حال مصرف سیگار دید وقتی باز هم کتکم زد بیشتر لجبازی کردم تا به او ثابت کنم هر کاری بخواهم انجام می دهم این بود که با خلافکارترین جوان محله دوست شدم، «فرزاد» سابقه دار بود و همه از او دوری می کردند وقتی ترک موتورسیکلت او می نشستم و با هم به تفریح می رفتیم مرا هم به چشم یک تبهکار می نگریستند نه تنها مادر و خواهرم بلکه دوستانم نیز هشدار می دادند از او جدا شوم ولی فرزاد هوای مرا داشت، برایم سیگار می خرید و پول ساندویچ یا تنقلات را حساب می کرد و حتی مرا نزد یکی از دوستانش برد تا تصویر یک قلب بزرگ با دو بال کوچک را روی سینه ام تتو کند چرا که تمام اعضای بدن خودش نیز پر از تصاویر مختلف تتو بود، با وجود این می ترسیدم که پدرم این تتوها را روی بدنم ببیند. خلاصه مرید فرزاد شده بودم و مدام با هم بیرون می رفتیم و او هم برایم خرج می کرد تا این که یک روز از من خواست برای گوشی قاپی به او کمک کنم از این جمله خیلی ترسیدم و هراسان به چشم هایش می نگریستم اما قدرت «نه» گفتن را نداشتم چرا که او در این مدت خیلی برایم هزینه کرده بود از طرف دیگر نیز من هم پولی برای تفریح و گشت و گذار نداشتم وقتی فرزاد تردید مرا دید با خونسردی گفت: قرار نیست به کسی آسیب بزنیم یا با چاقو ترس و وحشت ایجاد کنیم تو فقط روی موتورسیکلت بنشین و هدایت آن را به عهده بگیر من خودم بر ترک موتورسیکلت می نشینم و گوشی قاپی می کنم سپس با فروش هر گوشی می توانیم هر چیزی را که لازم داریم، بخریم به ناچار پیشنهادش را پذیرفتم و به طرف میدان راهنمایی به راه افتادیم دختری در پیاده رو مشغول گفت و گوی تلفنی بود با اشاره فرزاد به سمت پیاده رو رفتم. هنوز پاهایم می لرزید اما زانوهایم را به باک موتورسیکلت فشار می دادم تا فرزاد متوجه ترس من نشود به محض این که از کنار آن دختر جوان عبور کردم ناگهان فرزاد گوشی را از دست او قاپید و فریاد زد برو ولی من که استرس زیادی داشتم و وحشت زده بودم به جای آن که گاز موتورسیکلت را بفشارم دسته ترمز جلو را فشار دادم که در همین هنگام تعادل موتورسیکلت از دستم خارج شد و هر دو نفر نقش بر زمین شدیم فرزاد بلافاصله از روی زمین بلند شد و پا به فرار گذاشت اما من هنوز با تردید دست به گریبان بودم که فرار کنم یا موتورسیکلت را بردارم طولی نکشید که رهگذران و شهروندان با دیدن این صحنه دورم حلقه زدند و مشت و لگد نثارم کردند در این لحظه بود که پلیس از راه رسید و مرا از چنگ آن ها نجات داد با آن که یک ماه در کانون اصلاح و تربیت زندانی بودم اما هیچ کدام از اعضای خانواده ام تلفنی هم با من گفت و گو نکردند، می دانم اشتباه کرده ام اما دوست دارم پدر و مادرم خطاهایم را ببخشند و فرصت جبران به من بدهند. گزارش خراسان حاکی است ،با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد محمدباقر بهرازفر (رئیس کلانتری سناباد) تحقیقات پلیس برای دستگیری متهم فراری و بررسی های روان شناختی در این پرونده ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خراسان رضوی (سهامی خاص)

آگهی تعیین کارشناس (مرحله دوم)

شرکت گاز استان خراسان رضوی در اجرای ماده ۹ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی نسبت به تملک اراضی اراضی ایستگاههای ۱. تقلیل فشار (TBS) شماره ۱ بلوار توحید شهرستان چابهار ۲. تقلیل فشار (TBS) شماره ۲ و CPS شماره ۳ بلوار قدس شهرستان چابهار ۳. تقلیل فشار (TBS) شماره ۳ بلوار توحید شهرستان چابهار (مطابق کروکی و مختصات UTM ذیل) اقدام نموده است. لذا بدینوسیله از صاحبان حقوق احتمالی اراضی موصوف دعوت می گردد، حداکثر ظرف پانزده از تاریخ انتشار این آگهی با اسناد مثبته مالکیت جهت تعیین کار شناس منتخب (وفق ماده ۴ لایحه قانونی فوق الذکر) به آدرس مشهد - تقاطع بلوار خیام و ارشاد- شرکت گاز استان خراسان رضوی - طبقه دوم امور حقوقی -اتاق ۲۰۳ مراجعه نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه ظرف مهلت مقرر اقدام قانونی لازم بعمل خواهد آمد.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی

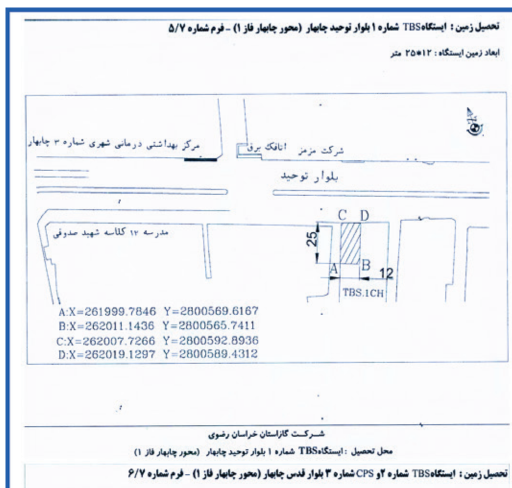
تحصیل زمین : ایستگاهTBS شماره ۱ بلوار توحید چابهار (محور چابهار فاز ۱) - فرم شماره ۵/۷
بلوار توحید

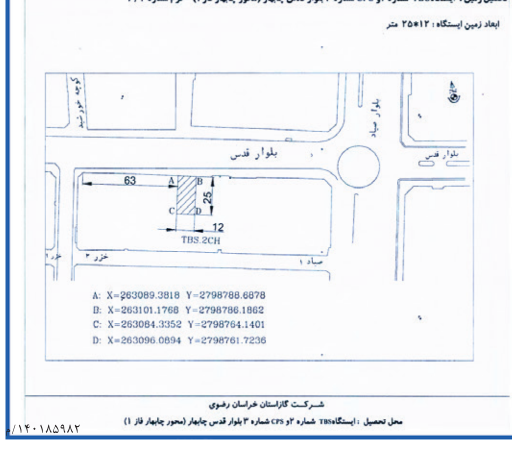
تحصیل زمین : ایستگاهTBS شماره ۲ و CPS شماره ۳ بلوار قدس چابهار (محور چابهار فاز ۱) - فرم شماره ۶/۷
بلوار قدس

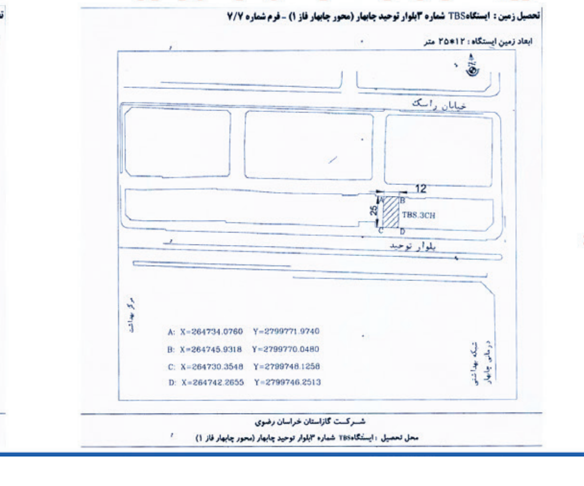
تحصیل زمین : ایستگاهTBS شماره ۳بلوار توحید چابهار (محور چابهار فاز ۱) - فرم شماره ۷/۷
ابعاد زمین ایستگاه : ۱۲*۲۵ متر
خیابان راسک
12

شناسه آگهی:
۱۳۷۱۵۵۹

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت

نظربه اینکه آقای عبداله عبدلی فرزندحسن به شماره شناسنامه۱۳۱ صادره ازجاجرم به استناد۲برگ استشهادگواهی امضاشده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت یک برگ سندمالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سندمالکیت۶ دانگ پلاک۶۵۷فرعی۷۴-اصلی واقع در بخش۷به شماره چاپی018781ه/91به آدرس جاجرم که متعلق به وی می باشد به علت جابجایی مفقودگردیده است وبابررسی دفتراملاک معلوم شدسندمالکیت اولیه ذیل۶۲۳۴ صفحه۶۱دفتراملاک جلد۱۵بنام آقای عبداله عبدلی صادر و تسلیم گردیده است برابرسندرهنی شماره۲۰۵۸۱-۱۳۹۲/۱۱/۲۱دفتر۲۷جاجرم در رهن بانک تجارت میباشد.دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذاطبق ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هرکسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز ازانتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سندمالکیت یا سندمعامله رسمی به این اداره تسلیم نمایدبدیهی است درصورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یاوصول اعتراض بدون ارائه سندمالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار قانونی ساقط است. ۱۴۰۱۸۵۹۷۷/و

مرتضی محمدآبادی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
layout@khorasannews.com ☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهی مناقصه – نوبت دوم

شهرداری نیشابور در نظر دارد نسبت به خرید استوریج به همراه لوازم جانبی از طریق برگزاری مناقصه اقدام کند.از تمامی متقاضیان دعوت به عمل می آید برای دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات تکمیلی حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ به سامانه الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به نشانی WWW.setadiran.ir مراجعه کنند.

* **آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت** در سامانه ستاد ایران تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۴ است.

* هزینه آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه است.

محمودرضا احمدی نیا – سرپرست حوزه اداری و مالی شهرداری نیشابور

۱۴۰۱۸۵۰۵۲/ش

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
تأمین کالا ۰۱۶/ت ک آ ج/۱۴۰۱

نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری در نظر دارد **فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی (خرید ۲۷ قلم درمجموع ۵۸۵ عدد انواع اتصالات) به شماره (۲۰۰۱۰۹۳۲۲۸۰۰۰۱۲۹) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.**

کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ می باشد.

اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۰ امتیاز می باشد.

◄ **مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:** ازساعت ۸:۰۰ صبح تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ الی ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۹
◄ **مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی:** تا ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲
◄ **اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار:**
◄ **آدرس:** استان خوزستان - شهرستان امیدیه - بلوار نفت - شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری/اداره تدارکات و امور کالا
◄ **فکس:** ۰۶۱۵۲۶۲۲۶۸۳
◄ **تلفکس:** ۰۶۱۵۲۶۲۰۸۹۷
◄ **تلفن:** ۰۶۱۵۲۶۲۲۲۷۳ داخلی ۲۳۱۷۰
◄ **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**
◄ **مرکز تماس:** ۰۲۱-۴۱۹۳۴ ◄ **دفتر ثبت نام:** ۸۵۱۹۳۷۶۸-۸۸۹۶۹۷۳۷

شناسه: ۱۳۷۳۶۳۳
روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری
۱۴۰۱۸۶۱۰۵/م